

بی خدایان ۲۲ Atheists

www.bikhodayan.com

azam_kamguian@yahoo.com

سر دبیر: اعظم کم گویان

ماهانمه بی خدایان

**با آزاد شدن
کردستان
دکان اسلام تخته
خواهد شد**

اسلام، نسبیت فرهنگی و جهانشمولی حقوق زنان



گفتگو با حسن قادری



اعظم کم گویان

خاورمیانه طی دو دهه گذشته است. آنها به ارزشهای فرهنگی و مذهب در این بررسی بعنوان یک نمونه "خودی" است؟ که طبق این ادعا نه شاخص و گویا از موقعیت زنان و تنها حقوق و آزادیهای زنان را جنبش زنان در ایران شروع می تضییق نکرده، بلکه این حقوق را کنم.

اگر از چشم یک ناظر خارجی به در توضیح این تناقض، برخی می موقعیت زنان در ایران نگاه کنیم گویند هر چه که در مورد ستمگری تصویری شگفت انگیز و حتی مذهبی، جداسازی و تبعیض جنسی متناقض می بینیم. از یک طرف نسبت به زنان در ایران گفته می شود فقط و فقط از تمایلات یک سیستم کامل آپارتاید جنسی می بینیم که به ضرب قوانین بشدت زن ستیز در ازدواج، طلاق، تعدد زوجات، بیحقوقی زنان در سرپرستی فرزندان، حجاب، مجازات وحشیانه سنگسار برای رابطه جنسی خارج از ازدواج، جداسازی جنسی در آموزش و پرورش، ورزش، اشتغال، ترانسپورت، غذاخوریها، و حتی بهداشت و درمان زنان را سرکوب مذهبی می کند. و از طرف دیگر می بینیم که زنان فعالانه در بسیاری از جنبه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حضور دارند و با این محدودیتها و رژیم اسلامی مبارزه می کنند.

چگونه این تصویر متناقض را باید تعبیر و تفسیر کرد؟ این سرکوب مذهبی را در کنار حضور زنان در همه جا چگونه می توان توضیح داد؟ آیا آنطور که آکادمیسینها و رسانه های غربی می گویند پیشرفت زنان باخطر روی آوردن

با رشد صنعت مذهب و عروج اسلام سیاسی در خاورمیانه طی دهه های ۸۰ و ۹۰ قرن گذشته، حمله همه جانبه اسلام و جنبشهای اسلامی به حقوق زنان بالا گرفت. این دوره یکی از سیاهترین و تاریک ترین مقاطع زندگی مردم بخصوص زنان در تاریخ معاصر جوامع خاورمیانه بوده است. در این دوره برای مشروع کردن این وضعیت و توجیه اسلام و فرهنگ زن ستیز و شرقزده تلاشهای فرهنگی و آکادمیک متعددی در غرب صورت گرفت. از مهمترین تلاشهای ایدئولوژیک و نظری که بتدریج به بخشی از سیاست دولتهای غربی نسبت به حقوق مردم و زنان در خاورمیانه تبدیل شد، تئوریهای پست مدرنیستی و نسبیت گرایی فرهنگی هستند. هدف من در این بحث، بررسی تاثیر تئوریهای پست مدرنیستی در توجیه زن ستیزی اسلام و فرهنگ شرقزده و مردسالار در

بی خدایان: چرا کمونیستها با مذهب مبارزه می کنند؟

حسن قادری: مذهب چه امروز چه در قدیم نقشی بسیار مخربی در زندگی انسان داشته است. اگر مذهب تنها عبادت و نیایش در مسجد و کلیسا و سایر اماکن مذهبی ویا کنج خانه و خلوت خصوصی بود. اگر امروز در برابر چشم همگان سر نمی برید و باقوانین ضد انسانی سنگسار نمی کرد؛ در قرن بیست و یک زنان را نصف مرد حساب نمی کرد؛ واگر سران ورهبران اسلامی امروز جان و زندگی بیشتر از هفتاد میلیون انسان را در ایران به گروگان نگرفته بودند؛ اگر اسلام سیاسی

سیاسی

موتور این تغییر و تحول در

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!



تجاوز اسلام و فرهنگ شرقزده و مردسالار را به حقوق زنان در خاورمیانه توجیه و تحکیم می کنند؟ راه حل کنار زدن این نگرشها و تئوریهاییست؟ زنان در جوامع خاورمیانه چگونه به رهایی دست می یابند؟

در آستانه انقلاب ۵۷ در ایران، شرکت وسیع زنان در زندگی اجتماعی یک واقعیت غیرقابل انکار بود. با تبدیل ایران به یک جامعه سرمایه داری و رفرمهای مدرنیزاسیون توسط محمدرضا شاه برای تسهیل این انتقال در دهه شصت میلادی، حضور زنان در تحصیل و اشتغال سرعت گرفت. دو دهه بعد زنان در بسیاری از جنبه های زندگی اجتماعی و اقتصادی بعنوان کارگر، معلم، هنرپیشه، نویسنده، موسیقیدان، پرستار، منشی، دکتر و استاد دانشگاه و غیره در جامعه حضور داشتند. در شرایط اقتصادی - اجتماعی جدید ستمکشی زنان وجه مشخصه ثابتی در جامعه ایران بود. زنان امیدهای فراوانی به انقلاب ۵۷ داشتند و وسیعاً در جنبش سرنگونی رژیم شاه شرکت کردند. آنها، همراه مردان برای آزادی، برابری و عدالت اجتماعی جنگیدند. خواست برابری زنان یکی از شعارهای انقلاب بود. متأسفانه زنان تصویر روشنی از برابری و خواستهایی که آن را متحقق کند، نداشتند. انقلاب ۵۷ از جانب جنبش اسلامی و اپوزیسیون ناسیونالیست که توسط دول غربی و رسانه هایشان بعنوان آلترناتیو رژیم شاه حمایت می شدند، شکست خورد. بسیاری از زنان با گنجی و سردرگمی حجاب را که پیش درآمد سرکوب همه جانبه زنان بود، بعنوان سمبل همبستگی در تظاهراتهای ضد رژیم شاه پذیرفتند.

چگونه است؟ زنان چگونه علیرغم ستم مذهبی فعالانه برای بهبود زندگیشان تلاش می کنند؟ جریان موسوم به فمینیسم اسلامی چیست؟ و تأثیر آن بر جنبش زنان و آینده آن از نظر من چگونه است؟ تئوریهای پست مدرنیستی و نسبی گرایی فرهنگی چگونه تعرض و

موقعیت زنان در ایران است و مسئولیت رهبری جنبش رهایی زنان در ایران بر دوش این جریان افتاده است. کلیه این تعبیرات مبتنی بر این ایده هستند که اسلام و فرهنگ شرقی و مردسالار نافی حقوق زنان نیست، حقوق زنان جهانشمول نیست و سکولاریسم دولت سکولار پیش شرط رهایی زنان نیستند.

ارائه این تصویر از وضعیت زنان در ایران تحت حاکمیت اسلام، سه سال قبل با ریاست جمهوری خاتمی شدت و سرعت بیشتری یافت. چهره خندان او، اینکه انگلیسی حرف میزد و بجای نعلین آخوندی کفش معمولی می پوشید، همگی از جانب غرب بعنوان نشانه های طلوع آزادی و حقوق زنان در ایران به افکار عمومی قالب شد. خاتمی در غرب بعنوان قهرمانی که موقعیت زنان را رفرم کرده معرفی شد. دولتهای غربی برای حفظ وضع موجود در ایران، جلوگیری از تحول سیاسی و اجتماعی به نفع مردم و برای گشایش روابط دیپلماتیک و اقتصادی با ایران عجله داشتند و با رسانه هایشان و محافل آکادمیک و مراکز اسلام شناسی و شرق شناسی این تمایل و منفعت را توجیه می کردند. تئوریهای پست مدرنیستی و نسبی گرایی فرهنگی برای توجیه اختناق اسلامی و فرهنگ شرقی و عقب مانده زیر پوشش "احترام به فرهنگ غیر غربی" و "اجتناب از اروپا محوری" به کار گرفته شدند.

اما واقعیت چیست؟ من بعنوان یک مبارز جنبش رهایی زنان چگونه به زندگی زنان و تلاششان برای رهایی نگاه می کنم؟ موقعیت زنان در ایران دو دهه بعد از انقلاب ۵۷ چگونه است؟ زنان چگونه علیرغم ستم مذهبی فعالانه برای بهبود زندگیشان تلاش می کنند؟ جریان موسوم به فمینیسم اسلامی چیست؟ و تأثیر آن بر جنبش زنان و آینده آن از نظر من چگونه است؟ تئوریهای پست مدرنیستی و نسبی گرایی فرهنگی چگونه تعرض و

اسلامی بودند و قوانین اسلامی با از سال ۱۳۷۰ به بعد اینها از تمام قوا حقوق آنها را زیر پا لگدمال کرد. در عین حال دوره از قشریگری سرمدمداران پس از انقلاب در ایران شاهد جمهوری اسلامی، مجله ای آگاهی وسیع زنان نسبت به غیردولتی به اسم "زنان" را منتشر موقعیتشان بعنوان زن در یک جامعه مردسالار و تحت حاکمیت ارزشها و اصول اسلامی بوده و در بین جنبش زنان ندارد. این است. طی بیست و یکسال گذشته مقاومت زنان علیه قوانین و حاکمیت اسلام یک واقعیت روزمره بوده است. هزاران زن قوانین اسلامی را هر روز زیر پا گذاشته و خیابانهای تهران و شهرهای بزرگ را به صحنه درگیری با مامورین کنترل اسلامی زنان تبدیل کرده اند و توسط جوخه های پلیس اخلاق اسلامی (نهی از منکر) با مشت و چاقو وتیزبر و اسید مورد حمله قرار گرفته و شلاق خورده و زندانی شده اند. طی دوران پس از انقلاب تاکنون زنان با مقاومت وسیع توانسته اند برخی از موانعی را که بر سر راه آنان در تحصیل و اشتغال، ورزش و فعالیتهای فرهنگی و هنری قرار داشته کنار بزنند. با وجود سرکوب شدید مذهبی و حفظ سرسختانه و تابوها، رابطه جنسی خارج از ازدواج وسیعاً بین جوانان رایج بوده و بسیاری از تابوها شکسته شده اند. زنان موفق شده اند مساله زن را به یک معضل حل نشدنی رژیم اسلامی تبدیل کنند. بویژه زنان جوان و دخترانی که پس از انقلاب ۵۷ متولد شده اند نقش مهمی در پیش بردن این مقاومت و دامن زدن جنبش زنان داشته اند. زنان و جنبش آنها پاشنه آشیل جمهوری اسلامی هستند. اینجا لازمست به جریان موسوم به فمینیسم اسلامی اشاره کنم. فمینیسم اسلامی گرایشی است که مدعی است با نوآوری در اسلام و تعبیر متفاوت از آیات زن ستیز قرآن قادر است در موقعیت زنان رفرم کند. سرمدمداران این گرایش از حامیان و مدافعین جمهوری اسلامی از ابتدای به قدرت رسیدنش تا سالهای ۱۳۷۰ (دهه ۱۹۹۰) بودند و در ارگانها و مجلاتی که رژیم به اسم زنان منتشر می کرد، فعالیت می کردند.



در آیات قرآنی و یا دادن حق هشتاد پاگرفت؛ دورانی که دهه انحطاط، بدبینی، رواج ایدئولوژی فردگرایی، حمله همه جانبه سرمایه داری به مردم، رشد مذهب، کنسرواتیسیم و استیصال مردم بود. پست مدرنیسم یک چشم انداز جهان شمول و عام در مورد جامعه و جهان و تاریخ را رد می‌کند و به تئوریه‌ها و چشم اندازهای سیاسی متفاوت و شقه شقه معتقد است. تئوریه‌های پست مدرنیستی حقیقت، سیستم و جهانشمولی را مورد تردید و انتقاد قرار می‌دهند. در تئوری پست مدرن تفاوت مبنای همه چیز است. نظریه پردازان پست مدرنیسم معتقدند حقیقت، مطلق و یکپارچه و جهت دار نیست. می‌گویند تاریخ به پایان خود رسیده، مدرنیسم در تحقق آرمانهایش شکست خورد، یونیورسالیسم و جهانشمولی پوچ از آب درآمدند و تحول اجتماعی جهت ندارد. این تئوریه‌ها پر از بدبینی و یاس و ناامیدی است.^۱

پست مدرنیست‌ها می‌گویند مرزها بهم ریخته اند. دوگانگی‌های متضاد و متباین dichotomy فرو ریخته اند. مرز بین مذهب و حقوق زنان، ستمگری و ستم‌دیدگی، مردم و دولت، اسلام و آزادی زن از بین رفته است. می‌گویند این مرزها مصنوعی، غیرواقعی و غیر طبیعی هستند و باید آنها را برداشت. ۲ مدافعین این تئوریه‌ها معتقدند که آیات زن ستیز قرآن را می‌شود با زبان بازی رفرم کرد. "زبان" و "گفت‌وگو" discourse و "چرخش زبانی" و "بهم ریختن مرزها" این امکان را به اینها می‌دهد که مرز بین استبداد و ارتجاع با آزادی، زن ستیزی اسلام و فرهنگ شرق‌زده و مردسالار را با حقوق زن را بردارند و به ارتجاع و اسلام در سرکوب زنان خدمت کنند. می‌گویند با زبان بازی و دیالوگ می‌توان ستم‌کشی زنان را رفع کرد. چگونه می‌توان با دیالوگ و زبان بازی ستمگری ریشه دار مذهبی نسبت به زنان را رفع کرد؟ چطور می‌شود بی‌حقوقی زنان در اسلام را با "بازی زبانی"

فرهنگ و سنن "بومی" و سوم می‌آید، حق آنهاست. چرا "خودی" را توجیه کند. فشار به اسلام و فرهنگ خودی که در زنان در ایران برای رد مفهوم غرب زن ستیز و ستمگر تلقی می‌حقوق زن بعنوان "غربی"، شوند، در جوامع غیر غربی "غیرقابل انطباق با فرهنگ و سنن (خاورمیانه) یک نرم پذیرفته شده خودی"، نه فقط از جانب زنان و قابل قبول محسوب شوند؟ نسبی اسلامی و ایدئولوژیهای حکومت گرایی فرهنگی مانع انتقاد از اسلامی بلکه از جانب برخی از مذهب ضد زن، سکسیست و فمینیست‌های ایرانی و غربی در فرهنگ زن ستیز ناسیونالیستی که غرب هم وارد می‌شود. حتی طی قرن‌ها حقوق زنان را لگدمال ابتدایی ترین و حداقل ترین کرده و طی نسل‌ها بعنوان میراث نرم‌های پذیرفته شده در مورد فرهنگی و ملی حفظ شده، می‌حقوق زنان زیر سوال برده می‌شود.

از جمله اینها پاتریشیا هیگینز می‌گوید آنچه که در ایران بر زنان می‌گذرد صرفاً مشکل زنان و طبقات متوسط و بالاست و تعرض های غربی نیستند. روشنفکران اسلام نه تنها علیه زنان کارگر و ناسیونالیست و سردمداران سنت انتشار پائین جامعه نیست بلکه اسلامی در خاورمیانه نظیر جمال درواقع با فرهنگ آنها خوانایی الدین افغانی، احمد فارس ال داشته و موقعیت آنها را بهتر کرده شیدیاک، ال تحتاوی، محمد عبو، است. ۵ برخی دیگر، بلوغ زنان در محمود محمد طه و عبدالله ندیم از کشورهای اسلامی و دستیابی آنها همان ابتدای قرن ۱۹ با تکیه بر به حقوق برابر و انسانی را مورد تردید قرار می‌دهند. ژولیت مابنس سنت‌های عقب مانده، و پافشاری بر می‌گوید زنان در این کشورها به آن حد از بلوغ اجتماعی نرسیده اند تا به آزادیهای جنسی و رهایی از ستم جنسی دست پیدا کنند. زنان در خاورمیانه هنوز آمادگی برای حقوق انسانی و آزادیهای جنسی زندگی تحت ارزشهای زنان (که از غرب نشأت گرفته) غیراسلامی، سکولار و مدرن را ایستادند. این سدن شرق‌زده و ضد زن زیر پوشش مقاومت علیه مدافعین نسبی گرایی فرهنگی می‌گویند حقوق زنان را باید در و آزادیهای زنان را سرکوب می‌کردند. سردمداران اسلامی و ناسیونالیست در کشورهای این تئوری، کلیه تضییقات علیه خاورمیانه زیر لوای مبارزه علیه زنان و پامال کردن حقوق آنها را استعمار غرب، ورود جنبشها و تحت عنوان فرهنگ و مذهب ارزشهای پیشرواته ایستی و مدافع خودی در جوامع غیر غربی توجیه حقوق زن را سد می‌کردند. این می‌کند و مشروعیت می‌بخشد، مقاومت با یک ظاهر میلیتانت و در حالیکه همان قوانین و بعنوان بخشی از مبارزه توده ای عملکردهای اسلامی در مورد علیه امپریالیسم توجیه و تقویت می‌زنان در جوامع غربی را شد. این جنبشی شرق‌زده است که بربرمنشانه و حیوانی می‌داند. تحت پوشش مبارزه با "امپریالیسم مثال گویا در این مورد سکوت فرهنگی غرب" و "غربزدگی" بیست ساله فمینیسم غربی در مقابل حقوق زنان را قبل از هرچیز سرکوب سیستماتیک حقوق ابتدایی دیگری در ایران و سایر جوامع زنان توسط جریان‌های اسلامی در خاورمیانه پیمال کرده است. این دو دهه گذشته است. گویا آنچه که بر سر زنان در کشورهای جهان

آزاد اندیشان

شجاع

بی خدایان از این پس ستونی را به معرفی آزاد اندیشان شجاع که به مقابله با کوردلی و تاریک اندیشی مذهب و ارتجاع و اسلام برخاستند اختصاص خواهد داد. از خوانندگان و کلیه آزاد اندیشان می خواهیم ما را در این کار یاری کنند.

سردبیر

ناجی ال علی

تولد: ۱۹۳۸

مرگ - ترور: ۱۹۸۷ در

لندن - انگلستان

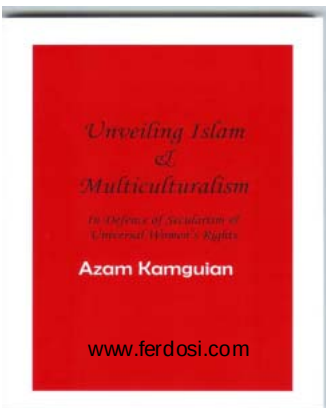
ناجی ال علی معروفترین طراح و کارتون‌نویست سیاسی در خاورمیانه، پنج هفته پس از اینکه مورد اصابت گلوله های یک تروریست اسلامی در خیابانهای لندن قرار گرفت، جان خود را از دست داد. اجداد او در دهکده فلسطینی ال شجاره در جلیله نزدیک نزاره متولد شد. "هانتالا" معروفترین طرح اوست که کودکی در سن دهسالگی است.

ناجی ال علی در مورد او می گوید:

"هانتالایی که من خلق کردم بعد از من از بین نمی رود. من در او زندگی می کنم حتی پس از مرگم. هانتالا در دهسالگی بدنیا آمد. همان سنی که من سرزمینم را ترک کردم. هانتالا اگر هم به فلسطین باز گردد همچنان دهساله باقی خواهد بود و سپس شروع به رشد می کند. او از قانون طبیعت مستثنی است. من او را بعنوان کودکی که زیبا نیست کشیدم. هانتالا شاد و سرحال نیست، کودکی نیست که مورد توجه و مراقبت قرار گرفته باشد مانند کودکان کمپ های آوارگان فلسطینی، پابرهنه است. او اول یک بچه فلسطینی و ملی بود اما اکنون دارای یک افق انسانی و جهانی است. هانتالا جهان وطن است."

طرح "هانتالا" اکنون لوگوی رسمی کمیسیون آزادی و عدالت از راه طرح و طنز است.

<http://hanthala.virtualave.net>
www.handala.org



برداشتن حجاب از اسلام و مالی کالچرالیسم

- رژیمهای دیکتاتوری مذهبی اسلامی خانواده و پایان دادن به گسترش می یابد، نقش عمده ای در نفوذ شریعت در حقوق زنان در جاور کردن این ترزا و رساله ها کشورهای اردن، فلسطین، مصر و از دانشگاهها و محافل آکادمیک مراکش، و مبارزه زنان علیه روشنفکران و بخشی از فمینیستها، دارد. کافی است زنان حجابهایشان را پرت کنند و چند بار در حاکم، ارکان این جوامع را به تکان موجوداتی قربانی، منفعل، عقب تظاهرات اعتراضی چادر و مقنعه و لرزه در خواهد آورد و زندگی مانده و مطیع تلقی می کنند که ها را آتش بزنند تا زیر پای بساط زنان و مردان را متحول خواهد هنوز بلوغ لازم را برای رهایی بحثهای نسبی گرایی فرهنگی، کرد. کسب نکرده اند. در نتیجه حقوق و فمینیسم اسلامی و تطبیق قرآن با آزادیهای زنان در غرب را برای حقوق زنان سست شود. کافی است منابع: آنها زیاده روی تلقی کرده و می که یک مبارزه تند ضد اسلامی در ۱- برای آشنایی بیشتر با نظریه گویند: آزادی زنان در این جوامع این کشورها منجمه ایران راه بیفتد ۲- برای آشنایی بیشتر با نظریه باید طبق نرمهای فرهنگی و تا بساط سکولاریسم اسلامی و به: مذهبی حاکم بر آنها باید تعریف نوآوری دینی از مراکز آکادمیک SBest & D. Kellner, Post-modern Theory. MacMillan, London, 1991. شوند و نه حقوق و آزادیهای جمع بشود. اگر یک جنبش مدرنیست، باز و ضد مذهب و طرفدار حقوق ماگزیمالیستی انسان ۳- نجم آبادی، افسانه. "سالهای المللی زنان در کمبریج - انگلستان ۴- J. Esposito, The Islamic Threat: Myth or Reality? Oxford and New York: Oxford University Press, ۱۹۹۸، ص ۴۶. ۵- PP. Higgins, Women in the Islamic Republic of Iran: Legal, Social and Ideological Changes, in Sighs: jurnal of women in culture and society. 10, 31(1985) ۶- J. Minces, The House of Obedience. London & New Jersey. Zed books, 1982. P.25
- این مقاله، ترجمه متن سخنرانیهای اعظم کم گویان در ۸ مارس ۲۰۰۰ در کپنهاگ - دانمارک، در ۱۵ مارس ۲۰۰۰ در فوروم بین المللی زنان در کمبریج - انگلستان و در سمیناری در ۱۶ مارس ۲۰۰۱ در هلستینکی - فنلاند است. این جلسات توسط کمپین دفاع از مذهب، فصلنامه آرش، اوت - کمپین زنان اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا و سازمان زنان عراقی در فنلاند برگزار گردیدند.

از صفحه ۱

قدرتگیری شانس چندانی نداشت. ای به این کالبد مرده بدمند که با بهر حال نمی‌توان منکر نقش مساله دیگری که باید به آن اشاره حضور فعال کمونیستها و مقاومت کم مساله دخالت فعال مردم گسترده مردم ناچار به عقب نشینی در جوامع اسلامی شد ولی این کردستان در سیاست است. این شدند. اگر بار دیگر کردستان آزاد مساله که امروز ما آن را کردستان شود مجددا اسلام از ارزش می پلاریزه شده می‌گوییم. اگر در اقتد و بازار و دکانش تخته میشود. سیاهشان نشانه است. سراسر ایران مبارزات مردم علیه بی‌خدایان: بعضیها معتقدند آنچه بی‌خدایان: شما چگونه بی خدا حکومت پهلوی می‌توانست حول در جوامع تحت سلطه اسلام بر سر شدید؟

دو محور یعنی مذهبی و چپی آن زنان می‌آید ربطی به اسلام ندارد حسن قادری: ابتدا باید نکته ای را زمان که عبارت بودند از خمینی بلکه فرهنگ مرسلار است شما و دار دسته های مرتجع دور چه فکر می‌کنید؟

برش و مجاهدین از یک طرف حسن قادری: قبل از هر چیز باید و از طرف دیگر حزب توده و بگویم که در جوامع اسلامی مذهب سازمانهای چریکی متمرکز و و فرهنگ طوری روی هم تاثیر می‌گذارند که همیشه یکی آن دیگر را تکمیل می‌کند. اما با بعضا ضد مذهب نبودند بلکه بعضا مکملش هم میکردند در کردستان مردم حول دو محور یعنی ناسیونالیسم و چپ سازمان می یافتند.

مذهبی و قومی و.... مبارزه کنند. باید یاد آوری کنم که این مبارزه نگاه کوتاهی به مساجد و نقش بهیچوجه تنها مبارزه نظری نیست مذهب در کردستان سالهای قبل از بلکه همه جانبه است. انقلاب 57 بخوبی به همگان نشان بی‌خدایان: چرا مذهب در خواهد داد که اگر حکومت کردستان سنتا و تاریخا ضعیف جنایتکار اسلامی سر کار نمی آمد بوده است؟

امروز در کردستان چیزی زیادی حسن قادری: به این سوال از جنبه به نام اسلام باقی نمی ماند. مذهب های گوناگون میتوان پاسخ داد در کردستان به تمامی فصلی شده و دلایل متعددی را طرح کرد. اما بود. تنها در زمستان که مردم اساسی ترین آنها مسایل ملی و تقریبا بی کار می شدند در مساجد ستمی است که در کردستان در باز می شد و چند نفر پیر مرد دور یک صد سال اخیر مردم کردستان بخاریهای گرم آن می نشستند. با آن و برای رفع آنها مبارزه کرده هشتاد در صد روستاهای کردستان اند. بعلاوه مذهب اصلی مردم ملا و پیش نماز داشتند و آنهایی هم کردستان سنی است و سنی مذهبها که داشتند خیلی به زحمت عده ای خواهان نقش فعال مذهب در را قانع می کردند تا حقوق این زندگی سیاسی مردم نبودند. از مفتخورها را بدهند. در شهرها طرف دیگر امکاناتی که مذهب وضع از این هم بد تر بود. در شیعه اعم از مالی و نیروی انسانی تابستانها غیر از یکی دوسمج جهانی در اختیار داشته سنی ها در بقیه آنها بسته می شد. در واقع از آن بهره مند نبودند. همینجا یاد هفتاد و پنج در صد ملاها دست از آوری نکته ای را ضروری میبینم پیشنهادی کشیده و به شغل های و آن اینکه فقط در 40 - 50 سال گوناگون مانند دکانداری و کار اخیر مذهبیین برای بدست آوردن دولتی روی آورده بودند. با سر قدرت پا به عرصه گذاشته اند. کار آمدند جمهوری اسلامی عده بملیل اینکه در مقابل قوانین همانطوریکه قبلا اشاره کردم در ای در کردستان و بخصوص در ارتجاعی آن مقاومت کرده اند در میان مردم کردستان مذهب برای شهر سنندج خواستند روحی تازه سیاه چالهایش شکنجه می‌کند.

باربی سکسی مجهز به جانماز و حجاب به بازار آمد!

اعظم کم گوین

فولا باربی مو و چشم سیاهی با حجاب اسلامی است که در یک سال و نیم گذشته جای باربی بلوند، کمر باریک، صورتی و سکسی غربی را در بازارهای کشورهای اصلی خاورمیانه گرفته است. اسلامی بودن این باربی بهیچوجه نافی معیارهای اساسی باربی؛ مدل زنی که دختر بچه‌ها از اواخر دهه

۱۹۵۰ خود را با آن تداعی کرده اند، یعنی زنانه، سکسی، وارد به همه رمز و رموز خانه داری و شوهرداری و اهل مد و لباس بودن نیست. تازه فولا علاوه بر همه معیارهای بالا، دارای جانماز و حجاب اسلامی هم هست! فولا البته اولین عروسک محجبه به بازار عرضه شده نیست. سارا در ایران، یک باربی مراکشی و لیلا که قرار بود بعنوان یک کنیز مسلمان در اسارت عثمانی به بازار بیاید، پیش کسوتان او بودند. رازانه هم نوع دیگری از باربی اسلامی بود که در ایالت میشیگان آمریکا تولید و به بازارهای آمریکا و بریتانیا عرضه شد. هرچند فولا هیچوقت مانند باربی دارای دوست پسر نخواهد بود اما قرار است بزودی دو خواستگار او که یک دکتر و یک تاجر بازاری هستند هم به بازار عرضه بشوند. قطر، سوریه، عربستان سعودی و یمن بفروش می‌رسند. در دمشق قیمت فولا ۱۶ دلار است. درآمد ماهانه متوسط در کشور سوریه ۱۰۰ دلار است. خلق کرده ایم که والدین و دختر بچه‌ها خود را با آن تداعی کنند. فولا، صادق و دوست داشتنی است و برای پدر و مادرش احترام و اهمیت قائل است. فولا به دختر بچه‌ها می‌آموزد که حجاب بخش نرمال و لازمی از زندگی زنان رازانه هم نوع دیگری از باربی اسلامی بود که در ایالت میشیگان آمریکا تولید و به بازارهای آمریکا و بریتانیا عرضه شد. هرچند فولا هیچوقت مانند باربی دارای دوست پسر نخواهد بود اما قرار است بزودی دو خواستگار او که یک دکتر و یک تاجر بازاری هستند هم به بازار عرضه بشوند. قطر، سوریه، عربستان سعودی و یمن بفروش می‌رسند. در دمشق قیمت فولا ۱۶ دلار است. درآمد ماهانه متوسط در کشور سوریه ۱۰۰ دلار است. خلق کرده ایم که والدین و دختر بچه‌ها خود را با آن تداعی کنند. فولا، صادق و دوست داشتنی است و برای پدر و مادرش احترام و اهمیت قائل است. فولا به دختر بچه‌ها می‌آموزد که حجاب بخش نرمال و لازمی از زندگی زنان رازانه هم نوع دیگری از باربی اسلامی بود که در ایالت میشیگان آمریکا تولید و به بازارهای آمریکا و بریتانیا عرضه شد. هرچند فولا هیچوقت مانند باربی دارای دوست پسر نخواهد بود اما

از صفحه ۱۰

جیمز کیتز - آمریکا

اصرار خودم به مسجد می‌رفتم و قرآن می‌خواندم. وقتی که به سن نوجوانی رسیدم نماز خواندن را شروع کردم. ولی نماز خواندنی یابان رساندم و می‌خواستم به شما برای صراحت و شجاعتتان در طرح افراطی، چندین رکعت نماز را اضافه می‌خواندم. ماههای رمضان این معضلات تبریک بگویم. من درباره قتل‌های ناموسی روی اینترنت روزه بودم و بجز ماه رمضان اکثر روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه هم روزه بودم. یعنی در سال حدود ۱۰۰ روز روزه بودم. حدود دو سال من مریض بودم و نمی‌تونستم تکان بخورم و دکتر تکان خوردن را از من قدغن کرد ولی واسه نماز طوری که خانواده‌ام نفهمند نماز را می‌خوندم و به مریضی من هر روز اذافه می‌شد. هر کاری را که یک مسلمان (البته کهنه پرست) را بگیرم می‌کرد من چندین برابر می‌کردم و

تا اینکه به سن ۲۰ سالگی رسیدم و به جایی رفتم که آزادی هست. را با صراحت طرح می‌کنید صمیمانه از شما تشکر می‌کنم. کتابهای زیادی در مورد اسلام هست و از همه مهمتر در اینترنت با ارادهای صمیمانه مطالب بسیار زیادی در مورد شناخت خدا!! هست. من در تاریکی می‌زیستم ولی امروز در روز روشن روبروی آفتاب هستم. همه چیز را درباره‌ی ایمان، خدا و قرآن (آیات شیطانی) می‌دانم. من انسان نبودم چون در تاریکی می‌زیستم ولی حالا انسانم چون به روشنی دست یافتم. لطمه برای مردم می‌سوزد که در زیر چتر این خفاش پرستان (جمهوری اسلامی ایران) زندگی می‌کنند. اگر روزی برس که توان آن را داشته باشم اول کعبه و بعد بیت المقدس را از بین می‌بردم. حال نمی‌دانم از چه بگویم که دنیایی از تاریکی را به چشم خود دیدم که اگر آنها را بنویسم بی‌شک چندین کتاب و سند صد صفحه‌ای را در بر می‌گرفت.

از شما هم بسیار سپاسگزارم برای سایت بی‌خدایان حال لطفاً من را راهنمایی کنید که چگونه عضو شوم با تشکر فراوان سربلند و پیروز باشید.

**بی‌خدایان
را تکثیر
و پخش
کنید!**

سکولاریسم اولین گام در آزادی از دین

خداوند زناکار

بهرام صالحی از ایران

افشای ماهیت کثیف و دروغین مذهب یکی از مهمترین وظایف ماست که دشمن سرسخت مذهب و خواستار رهایی انسان از زنجیر استعمار و استثمار مذهب هستیم. در میان مذاهب، اسلام خشن‌ترین و ضد انسانی‌ترین ادیان است که از قدیم تا امروز افسار گسیخته بیشماری از انسان‌ها را قربانی کرده و میکند. برای آگاهی دادن به مردم، به تند و بدون هیچ کم و کاستی، باید اسلام را به نقد کشید و حقیقت آن را تشریح کرد. مستقیم به سراغ قرآن که اساس دین اسلام است می‌رویم و با استناد به آن به تشریح یکی از سوره‌ها به نام سوره مریم می‌پردازیم.

در آنجا محمد از زبان خداوند این‌گونه شرح میدهد که: ای رسول ما یاد کن در کتاب احوال مریم را، آن روزی که از اهل خانه ی خویش کنار گرفته، به مکانی به مشرق روی آورد (آیه ۱۶) اولین سوالی که در ذهن مطرح میشود این است که علت دوری گزین مریم از خانه ی خود چیست. این توضیح داده نشده است. یا میتوان احتمال داد که مریم جرمی مرتکب شده است و از ترس محاکمه از شهر خود گریخته باشد. و یا در حالت دوم میتوان احتمال داد که مریم مؤمن برای دوری گزیدن از خانواده ی معصیت کار خود از آن‌ها دوری جسته است و خانه را ترک کرده است. اما حالت دوم نمیتواند صحیح باشد چرا که مردمی که در آیه شماره ۲۷ به سراغ مریم می‌روند تا از او پرس و جو کنند تاکید میکنند که مریم پدر و مادر صالح و درستکاری داشته است. علت فرار مریم از خانه را در

اینجا نمیتوان یافت. اما هر دلیلی که داشته است داستان اینگونه ادامه پیدا میکند که مریم مکانی خلوت پیدا میکند و در آنجا پنهان میگردد: و آن گاه از همه ی خویشانش به کنج تنهایی محتجب و پنهان گردید و ما روح خود را مجسم ساختیم (وقتی در آیه ی بعدی مشخص میشود که مریم در جای خلوتی پنهان می‌شود این احتمال بیشتر میشود که مریم در شهر خود جرمی مرتکب شده است و از شهر فرار کرده و در جایی پنهان شده است. حال جرم مریم چه بوده باز هم معلوم نیست. اما مشخص است که آن جرم مجازات سنگینی داشته است که مریم از ترس جانش فرار میکند و پنهان میشود. میتوان احتمال داد که این جرمی که مجازات سنگین داشته است، زنا باشد. اما چون حقیقت مبهم است و در قرآن توضیح داده نشده ما نتیجه گیری نمیکنیم و فقط احتمالات را بیان کردیم.

زمانی که مریم در کنج تنهایی پنهان میشود خداوند روح خود را جلوی مریم مجسم میسازد. با دقت این اتفاق را بررسی میکنیم. اول باید به این سوال پاسخ دهیم که روح چیست؟ روح چگونه میتواند به جسم تبدیل شود؟ آیا خداوند روح دارد؟ این وقت تلف کردن است که ما در علوم طبیعی جستجو کنیم و ماهیت فیزیکی چیزی به اسم روح را پیدا کنیم که جای تمسخر دارد.

اما باید ریشه اعتقاد به موجودیت چیزی به اسم روح را پیدا کرد. روح در لغت به معنای تنفس کردن هوا است. بشر در دوران جاهلیت نمیدانسته است که هوا نیز ماده است و چون نه قابل روئیت و قابل لمس نیست ماهیت آن را نمیتوانسته و برای خود تعریف کند. بنا بر این آن را از ماورا طبیعه پنداشته است. در قرآن آمده است که: ما انسان را آفریدیم و روح خود را از بی بی آن بر آن دمیدیم و به آن حیات بخشیدیم.

انسان در تفکر بود که به این سوال پاسخ دهد که چرا وقتی انسانی

مرده است دیگر تنفس نمیکند. و اما تصور جاهلانه ی مذهب که از دوران قدیم تا امروز به یادگار مانده است هوا یا روح را ماورا طبیعه میندازد.

پس هوا در زمانی روح نامیده شد که ماهیت آن مجهول بود و نیز باید به ارتباط تنفس کردن و حیات انسان پاسخ داده میشد. امروز بعد از گذشت هزاران سال که علم به تمام این مجهولات پاسخ داده است اگر کسی صحبت از روح کند و آن را جوهر حیات و ماورا طبیعه تصور کند تنها نشان از نادانی و نا آشنایی به ابتدایی ترین علوم است.

بنابر این رابطه ی حیات انسان و چگونگی آغاز حیات را خرافات اینگونه پاسخ میدهند که خداوند در ابتدا هوا را به درون بینی انسان دمید و جان یا جوهر حیات در بدن انسان جریان پیدا کرد. در صورتی که انسان هرگز با نفس کشیدن حیاتش آغاز نمیشود. بلکه انسان از آن هنگام که نطفه ای در شکم مادر شکل میگیرد و در دورانی که هنوز در شکم مادر است و کسی هوا هم در بینی او فوت نکرده است زنگی را شروع کرده است.

به فرض تخیل از هنگامی که انسان از شکم مادر بیرون می‌آید و هوا تنفس میکند، حیات انسان آغاز میشود. معلوم نیست دیگر چه نیازی است که کسی در بینی نوزادی فوت کند تا زندگی اش آغاز شود! و آیا انسان خود نمیتواند تنفس کند و یا تا به حال در گوشه ای از جهان نوزادی تازه متولد شده با فوت کردن در دماغش زندگی را شروع کرده؟! آیا در بینی خود شما کسی فوت کرده است؟!

پاسخ این سوال که روح چیست بسیار لازم بود اما کمی از موضوع اصلی فاصله گرفتیم. برمیگردیم به آنجا که خداوند روح خود را جلوی مریم مجسم میکند. خداوند آیا روح دارد؟ آیا خداوند هم هوا تنفس دارد؟

خداوند میگوید: من روح خود را از بی بی انسان بر آن دمیدم و به آن حیات بخشیدم. بنا بر این جوهر حیات که روح نامگذاری شده است همان هوا است. هوا ماده است. انسان دارد دیگر چه نیازیست که

Nephesh

کلمه ی فارسی و عربی: روح

کلمه ی عبرانی:

Ruakh

و کلمه ی یونانی:

Pneuma

و کلمه ی لاتینی

Spiritus

و

Anima

همه اشاره به تنفس و جوهر حیات است.

خداوند میگوید: من روح خود را از بی بی انسان بر آن دمیدم و به آن حیات بخشیدم. بنا بر این جوهر حیات که روح نامگذاری شده است همان هوا است. هوا ماده است.

انسان دارد دیگر چه نیازیست که

→

روح خود را تبدیل به جسم کند ؟! مریم گفت : ای عجب از کجا مرا پسری تواند بود در صورتی که و نیز با استناد به آیه دیگری که می گوید :

در پاسخ به مرد مریم میگوید : انجام شده و بعد از گذراندن دوران بارداری فرزندی زاییده شده است .

و اما چگونه روح تبدیل به جسم میشود ؟! این اتفاق که خدا رو خود را تبدیل به جسم میکند انقدر ابلهانه و مزحک است که سوالاتی که (20) برای انتقاد از این حادثه در ذهن مطرح میشود نیز مضحك می نماند .

و داستان در ادامه مضحك تر نیز میشود . بعد از اینکه روح خدا در مقابل مریم تبدیل به جسم شد در آیه بعدی مریم میگوید :

مریم گفت من از تو پناه به خدای رحمان میبرم که تو پرهیزکاری کنی (آیه 18)

روح خدا که تبدیل به جسم شده مشخص است که یک انسان مرد شده است . خوب طبیعست که خداوند مرد است . مگر زن که ضعیفه است و ناقص العقل میتواند خدا شود ؟! خیر .. و اینک خدا که یک مرد است و روبروی مریم ایستاده است مریم را وحشت زده میکند و مریم قافل از اینکه خود خدا است که روبروش ایستاده است دست به دامان خدا میشود و به او پناه میبرد و از مرد میخواهد که پرهیزکاری کند ، یعنی با او زنا نکند .

در آیه بعدی مرد پاسخ میدهد که : گفتم من فرستاده ی خدای تو هستم ، آمده ام به امر او تو را فرزندی بخشم ، بسیار پاکیزه و پاک سیرت (آیه 19)

در اینجا خدا که همان مرد است دروغ میگوید . خود را فرستاده ی خدا معرفی میکند . در صورتی که خود او خدا است که جسم شده است .

به استناد به آیه هفدهم که میگوید : ما روح خود را مجسم ساختیم . خدای فریبکار و یا مرد فریبکاری که آتش شهوت وجودش را فرا گرفته است و مقابل مریم ایستاده است برای اینکه مریم را راضی کند که بدون توسل به زور به نزدیکی با او تن دهد به او دروغ میگوید که فرستاده ی خدا است . و یا آن مرد همان خدا است که شاید برای حفظ آبرو خود را فرستاده ی خدا معرفی میکند نه خود خدا !

پس مریم بار برداشت و برای آنکه از سرزنش بر کنار باشد به مکانی دور خلوت گزید (آیه 22)

این آیه که میگوید مریم نقل مکان میکند و به جایی دیگر میرود و بعد از مدتی . که حتما دوره ی 9 ماه ی بارداری است در مکان دیگری درد زایمان را احساس میکند ثابت میکند که عمل سکس است :

پس مریم بار برداشت و برای آنکه از سرزنش بر کنار باشد به مکانی دور خلوت گزید (آیه 22)

تحریف حقیقت ماجرا را دارد اما اشاره به دلیل مهاجرت دوم مریم میکند که به احتمال قوی این آیه علت اصلی سفر اول مریم برای پنهان شدن از سرزنش مردم و یا مجازات است :

پس مریم بار برداشت و برای آنکه از سرزنش بر کنار باشد به مکانی دور خلوت گزید(آیه 22)

گزینه کاملاً ناشیانه واقعیت ماجرا را تحریف کرده است .

میگوید مریم بعد از باردار شدن دوباره نقل مکان میکند و به جایی میرود که از سرزنش مردم دور باشد . اما کدام مردم ؟ مریم اکنون که در محلی پنهان شده و مرد به سراغش می آید ، بجایی است که قبلا از دست سرزنش مردم فرار کرده و به آنجا پناه آورده است و در اینجا مریم باید غریبه ای باشد . در این صورت دیگر چه نیازی به نقل مکان دوباره به مکانی است که از سرزنش مردم دور بماند ؟!

چگونه دلیل نقل مکان دوم نیست . دقیقاً علت نقل مکان دوم همان علت نقل مکان اول است . یعنی یک نقل مکان بیشتر انجام نشده و آن هنگامی است که مریم در شهر خود با مردی زنا میکند و از شهر خود فرار میکند و در شهری دیگر فرزند خود را به دنیا می آورد .

و اگر داستانی هم بازگو شده تنها میتوانسته از زبان خود مریم باشد . چرا که شاهد دیگری وجود ندارد که سرنوشت مریم را بازگو کند . البته مرد زنا کار یک شاهد است اما به این دلیل که خود مرتکب جرم شده و مجازات تهدیش میکند مطمئن جایی ماجرا را بازگو نمیکند و ناشناس باقی می ماند . و این امر موقعیت مناسبی به مریم میدهد تا داستان را به دروغ هر چه میخواهد بازگو کند و بگوید که خدا به سراغ من آمده و غیره

در آیه ی بعدی خدا به مریم میگوید که پاسخ منتقدان را ندهد و با شاره به آنها به دروغ بگوید که روزه ی سکوت گرفته است ! تا هنگامی که فرزند مریم به دنیا می آید و قوم او به سراغش می آیند تا او را به شهر خود برند :

آنگاه قوم مریم به جانب او آمدند که از این مکانش همراه برند ، گفتند ای مریم عجب کاری منکر و

جنگ همیشه برای مذهب



فاطمه خداپرست

تاریخ ملی، از نژاد، از ظرفیت ها و امکانات زبان شناختی فرهنگ، از سنت های سیاسی، اخلاقی، فلسفی، از مذهب، از اساطیر، از شکل مسلط تولید، از مناسبات فرهنگی، از

ژئوپولتیک، از هنر و... شاید برای همین نیز هست که گاه يك را هم که می خواهد توصیف کند، توضیح می دهد: روح قیام و ایدئولوژی واحد در دو سطح به عنوان يك رهبر عدالتخواه قعود، تسلیم و اعتراض، صبر و تاریخی یا نژادی یا مذهبی یا معرفی می کند و نه رهبری بی صبری، سکوت و فریاد، انفعال اقتصادی و یا فرهنگی متفاوت، دو آزادیخواه. همچنین حسین را و و انقلاب و برای مردم ما عدالت نتیجه متفاوت نیز از خود بر جای می گذارد؛ کمونیسم در نژاد زرد ابوزر را. این در حالی است که آزادی بوده است. دانشجویان اما با يك نوع عکس العمل و نتیجه اصلاح طلبی، گفتمان آزادیخواهی درس گرفته از سرنوشت مصدق و عینی مواجه می شود و در نژاد و آزادیخواهان است: گفتمانی که بازرگان و همچنین متأثر از سفید با عکس العملی دیگر؛ در البته اصلاح طلبان امیدوارند ذهنیت»، «ذهنیت عمومی»، «سیاستمدارانه فرهنگ کنفوسیوسی با نتیجه ای عدالت را نیز به ارمان خواهد ذهنیت»، «روشنفکرانه مواجه می شود و در فرهنگ آورد. اما ذهنیت ایرانی عجول ذهنیت»، «مذهبگرانه ارتدوکسی با نتیجه ای دیگر؛ به است؛ مقدمه امر واجب را کمتر از يك سو و فشارهای «مذهبگرانه» به رغم اینکه این نتایج، اشتراکات واجب شمرده است؛ به ویژه در شدید رقیبان محافظه کار از سوی انکارناپذیری نیز با هم دارند. سیاست. به همین خاطر نیز هست دیگر _ که قدرت رسله ای پرنفوذ ایرانی شیعه به همین اعتبار نیز که او را کمتر با اصلاح طلبی دارند و روزنامه دارند و تربیون هست که عدالت را به اصول میانه ای بوده است و بیشتر با _ او احیاناً می خواست آزموده را مذهبش افزوده است و در کلام محافظه کاری و انقلابیگری. و دوباره بیازماید و برای همین میانه قرار «علیون» خود را در صف این دو روش متناقض هم دو روی روی مصلحت طلبانه بود که نفس صفحه ۱۲

شگفت آور کردی (آیه ۲۷) —→
ای مریم خواهر هارون تو را نه خرافه های عجیبی به آن افزوده شده است. به همین علت ادامه ی بدکار. پس تو دختر بکر از کجا فرزندی یافتی؟ (آیه ۲۸)
در مقابل چنین سوالی که مردم با عصبانیت و شک میپرسند که او چگونه قبل از ازواج فرزند زائیده است او از ترس جانش هرگز نمیتوانست حقیقت را بگوید و بنا براین داستان زنا با خدا را می گوید و از خدا مشروعیت میگیرد. پاسخ بعدی این میتواند باشد که خدا جسم شده است و با مریم زنا آن طفل گفت همانا من بنده خاص کرده است و او را باردار کرده است. در این صورت صفت زنا کار شایسته ی خداوندی ستم کار است که عمل زنا را برای خود جایز دانسته، اما سخت ترین مجازات ها را برای دیگران از جمله سنگسار و اعدام برای رابطه جنسی بین انسانها را دستور داده است.
اگر حالت اول را حقیقت داستان بپنداریم از اینجا به بعد سرنوشت

مریم مجهول میماند به این دلیل که داستان واقعی بسیار تحریف شده و خرافه های عجیبی به آن افزوده شده است. به همین علت ادامه ی داستان نیز همین گونه خرافی ادا پیدا میکند و اتفاق های عجیب تری در پاسخ به سوال منتقدان که فرزند از کجا آورده ای؟ در آیه بعدی آمده است:
مریم پاسخ ملامتگران را به اشاره حواله به طفل کرد. آنها گفتند ما چگونه با طفل گهواره ای سخن میگویم (آیه ۲۹)
خدا جسم شده است و با مریم زنا آن طفل گفت همانا من بنده خاص کرده است و او را باردار کرده است. در این صورت صفت زنا کار شایسته ی خداوندی ستم کار است که عمل زنا را برای خود جایز دانسته، اما سخت ترین مجازات ها را برای دیگران از جمله سنگسار و اعدام برای رابطه جنسی بین انسانها را دستور داده است.
اگر حالت اول را حقیقت داستان بپنداریم از اینجا به بعد سرنوشت

داستان های خرافی ای که در کتاب های مذهبی آمده است وجود ندارد که موجودیت مسیح و مریم را ثابت کند.
این است داستان عیسی بن مریم که مردم شک و ریب دارند، اکنون به سخن حق و صواب حقیقت حاش بیان گردید! (۳۴)
معلوم نیست این استدلال مضحک بر چه پایه ای استوار است. زمانی که مردم این داستان خرافی را باور نمیکند و در جواب انها اینگونه حقیقت داستان را ثابت میکند که: که چون ما حقیقت داستان را بازگو کردیم...!!!
شرم دارد اگر انسانی امروز در قرن بیست و یکم تفکری جاهلانه تر از انسانهای عصر جاهلیت داشته باشد و این داستان های خرافی را باور کند.
سرا پای این داستان دروغ است و هم مریم و عیسی و هم سرکرده ی همه این خرافه ها یعنی خدا تماماً دروغ و ساخته ی ذهن بشر است.
هرگز یک سند تاریخی بجز

نامه های شما

مهراد از تهران

غیراینصورت از فرمان خدا و پیغمبر سرپیچی کرده و در جهنم سوزانده می شود. یکی نیست به این مردک عقب مانده بگوید تو که نمی توانستی ... خود را پاک کنی چرا برای مردم حکم صادر می کنی؟ برای دختر ۹ ساله و پسر ۱۵ ساله که زندگی را تجربه نکرده اند فرمان صادر می کند. بغیر از فکر شهوت و اینکه هر شب با کدام زنش سکس داشته باشد چیزی در مخیله پوکش نداشت. برای او جز خود و خانواده اش چیز دیگری مهم نبود. در صلوات و اذان هم اسم خود و دامادش می آید. فرزندان و نوه ها و نتیجه هایش را جانشین خود کرده است. این مردک به هیچکس اعتماد نداشت. حتی خود را نماینده جن و انس معرفی کرده است. این مردک از هیتلر هم جنابتر است. حداقل هیتلر در یک زمان مخصوص تفکرات فاشیستی اش را عمل کرد و هزاران نفر را نابود کرد و سرانجام گورش را گم کرد. ولی این مردک مالیخولیا بعد از مرگ نکبتش دست از سر ما انسانها برنداشته است. نمایندگان او و لایت فقیه به جان مردم و جهانیان افتاده اند تا با بمب اتم راه نکبتش را ادامه دهند. اما کور خوانده است. ما سوسیالیست ها جلوی این جنایات را می گیریم. اعظم جان دروهای سوسیالیستی فراوان نثار باد.

مجتبی از ایران

با سلام گرم به اعظم کم گویان و با امید موفقیت ، من بنا به تفکرات خودم و با کمک ماهنامه بی خدایان و مقالات منتشر در آن با کسانی به بحث میپردازم و سعی در روشن کردن ماهیت واقعی مذهب و خدا میکنم همزمان مبلغی برای شعارهای بیخدایان و شناخت ماهنامه و سایت بی خدایان در خفقان جمهوری اسلامی هستم .

رفیق عزیز چندی پیش که ماهنامه شماره ۱۷ را به یکی از دوستانم نشان میدادم یک عکس در صفحه ۷ توجه ما را جلب کرد آن هم باسن کسی را نشان میدهد که دامن قرمزش را بالا زده و روی آن نوشته شده (خدمت خوانندگان محترم برادران اسلامی) دوستم از من پرسید منظور از این عکس چیست ؟ من جوابی برای او نداشتم و او با کنایه گفت آیا این ماهنامه همزمان تبلیغ سکس هم میکند ، به هرحال آن عکس تمام رشته های من را پنبه کرد.

رفیق جان اگر امکان دارد شما توضیحی در مورد چاپ آن عکس بدهید سوالات دیگری هم دارم که بعدا برایتان خواهم نوشت. دستتان را به گرمی میفشارم به امید پیروزی اتایسم. با پوزش از تاخیر بزودی پاسخ سوال و درخواست شما در بی خدایان خواهد آمد.

خانم اعظم کم گویان با عرض سلام خسته نباشید خدمت شما و همکاران گرامی که شما را یاری می کنند. نشریه بی خدایان یعنی افشاگری و به هوش آوردن افکار مسموم شده مردمی که می خواهند آزاد شوند. خانم اعظم کم گویان هر وقت صحبت از دین و مذهب می شود آدمی به یاد محدودیت های غیر منطقی و دستورات مذهبی خرافی می افتد که بر هیچ پایه و اساسی ستوار نیست دستوراتی که بنام احکام الهی بر مردم تحمیل می شود. احکامی غیر قابل تحمل و از سوی هم غیر قابل اجراست. تمامی سران و بزرگان ادیان اعتراف کرده اند: هنوز کسی نتوانسته تمامی احکام را کامل و بدون نقص اجرا کند! اجرای کامل دستورات مذهبی یعنی بدست آوردن پاداشی که غیر قابل وصف است که در این دنیا نمی گنجد. باغ های زیبا که درختانش میوه های استثنای میدهند و در انجا نحرهای از شیر و عسل جاریست و هوریانی نو سینه برجسته «دختران ۱۴ ساله» که چهل لباس رنگارنگ بر تن دارند ولی باز هم پوست لطیف بدنشان دیده می شود و هر چهل دختر مال یک فرد است طبق گفته قرآن و اگر کسی نتواند تمامی احکام را اجرا کند حتی یک دستور دیگر از بهشت خبری نیست و نصیبشان جهنمی می شود که ر آن تا ابد می سوزند ناله سر می دهند در انجاست که می توان پی برد دین و مذهب خرافه ای بیش نیست در دین بهود آمده است برای بخشایش گناه قربانی کنید هر گناه یک قربانی مثلا برای هر دروغ که می گویند یک کیوتر باید قربانی کنند و گوشت آنرا به کاهن کنیسه دهند. گناه بزرگتر مساوی است با قربانی بزرگتر و کاهن است که شکمش بزرگتر می شود در دین مسیح اگر به مسیح ایمان داشته و بگوید او فرزند خداست تمامی گناهان بخشیده می شود و بد از مرگ به بهشت میروند خیلی ساده و بیدردسر و حال در دین اسلام در دین اسلام راه های متعددی است که به ۳ مورد آن اکتفا می کنم :

۱ : به حج رفتن و هفت مرتبه به دور کعبه چرخیدن
۲ : روزه گرفتن در ماه رمضان برای بخشایش ۱ سال گناهان
۳ : خواندن سوره جمعه برای پاک شدن گناهان ۱ هفته
آری جنایت کن اموال مظلومین را غارت بر و به زنان و فرزندان هر که خاهی تجاوز کن و هر آنچه که خواهی و بعد از آن با انجام یکی از این راها بهشت را نصیب خود کن و با چهل دختر چهارده ساله هم بسفر شو

خانم اعظم کم گویان وقتی بهشت را توصیف می کنند آدمی به یاد حیات وحش می افتد که حیوان نر چهل حیوان ماده را مالک می شود ننگ بر دین و مذهب

سعید ح از ایران

سلام اعظم جان درودهایم را نثار می کنم. نشریه بدستم رسید. از زحمات شما سپاسگزارم.

ماه نکبت رمضان از راه رسید. باید بار دیگر تشنگی و گرسنگی زوری را تحمل کنم. از دستور یک بیابانگرد بدوی که از انسانیت بویی نبرده بود باید تبعیت کنم و از شروع اذان صبح تا غروب و اذان شب دست به هیچ خوردنی و نوشیدنی نباید بزنم. این مردک کثافت که خود را پس از دستشویی با سنگ سه گوش پاک می کرد برای انسانهای آینده هم حکم صادر کرده است. اگر مسلمانی روزه خود را بخورد مرکب گناه سنگین شده و باید کفاره بدهد یعنی در ازای یک روزه گناه خوارى ۶۰ روزه بگیرد یا به ۶۰ گرسنه طعام بدهد. در پدر فقیری داشتیم ولی نیکوکار و دست دلبار! با

چرا مسلمان نیستم

"چرا مسلمان نیستم" یکی از صفحات همیشگی "بیخدایان" خواهد بود. این صفحه مکانی است برای ارائه دادخواست ها و تجارب شخصی بیخدایان. از کلیه خوانندگان و علاقمندان دعوت می کنیم با نوشتن تجارب خود برای این صفحه، اعتراض خود به انقیاد دینی و خداپرستانه را با صدایی رسا و محکم اعلام کنند.

سردیر

یک زن آته ایست از عراق

کی اسلام را ترک کردی؟

چه سوال جالبی. از من بخواهید تابحال واقعا به اسلام نپیوسته بودم هرچند که در یک کشور مسلمان نشین زندگی می کردم. والدینم مسلمان بودند اما نه چندان پای بند. پدرم عرب مسلمان بود اما تا به سن 60 سالگی نرسیده بود هنوز بدرستی نماز خواندن را بلد نبود. مادرم مسیحی بود. حالا متوجه می شوید که چرا دین نقشی در زندگی من نداشت. ما در عراق زندگی می کردیم وقتی در سن پنج سالگی و در اولین سال مدرسه به دیگران گفتم که مسیحی هستم پدر و مادر بزرگم تصمیم گرفتند که مرا بسوی اسلام رهنمون کنند. من بدیگران گفتم مسیحی هستم چون دختران از خانواده های مسیحی در مقایسه با دختران خانواده های مسلمان لباسهای رنگارنگ می پوشیدند و در کلاس تعلیمات دینی داستانهای متنوع می خواندند.

بهر حال با تصمیم پدر و مادر بزرگم تا بیست سال بعد من مجبور شدم مسلمان معرفی شوم و مسلمان رفتار کنم. بعنوان یک دختر جوان از ضرورت پوشیدن حجاب در موقع خواندن متون

دینی بیزار بودم. بیاد می آورم رفتار کردم. می دیدم که چگونه معلم می گفت که در زمان مردم خداترس در اطرافم که به قاعدگی پاکیزه نبودم و نمی باید به خدا و دین می چسبیدند تا در برابر قرآن دست بزنم چون کلام خدا مخاطرات زندگی حفاظت شوند بود. وقتی استدلال می کردم خدا چه عذابی می کشیدند و زندگیشان که ما را خلق کرد می دانست که تباه می شد. من با اطرافیان در این پررود هم می شویم و خونریزی مورد بحث و جدل می کردم و هر داریم مرا ساکت می کرد. چه بیشتر اینکار را می کردم من سالهای جوانی را در گجی و بیشتر به من انگ کفر و کافر می احساس عجیبی نسبت به اسلام و زدن و جلوی مرا می گرفتند. هر قرآن سپری کردم. از اینکه سوره های در قرآن زنان را پایمال می کرد کلافه بودم. در حالیکه والدینم همیشه با ما دختران و برادرانمان یکسان رفتار می کردند و در خانواده مان زنان تحصیل کرده دارای موقعیت شغلی و اجتماعی بالا وجود داشت ما هم می خواستیم با بلوغ به آن دسته از زنان در فامیل خود بپیوندیم. تا زمان جنگ اول خلیج مذهب نقش چندان مهمی در زندگی مان نداشت. اما از این پس مفهوم شهادت برای خدا و ثواب کردن و پاداش گرفتن در بهشت و با باکره ها رواج پیدا کرد که واقعا حال مرا بهم میزد. از این پس بود که من دیگر با باقیمانده زندگیم طور دیگری زمانی که بخودم اجازه دادم آزادانه

درباره خدا و اسلام فکر کنم و بخوانم و تحقیق کنم دیگر احساس آرامش و آسایش می کردم. حالا خانواده ام از افکار من باخبرند و با من مخالفند اما عموما راجع به آنها با هم صحبت نمی کنیم. خانواده همسرم اگر دقیقا بدانند من چگونه فکر می کنم وحشتزده خواهند شد. من الان آته ایست هستم و می دانم در چگونگی تربیت بچه هایم فشارها و رویارویی های بیشتری پیشرویم خواهد بود. متاسفم بگویم که در ابتدا ناچارم بگذارم اوضاع مطابق میل فامیل و اطرافیان پیش برود تا ناچار نشوم حق سرپرستی و داشتن فرزندانم را از دست بدهم. با پاسخ دادن صادقانه به سوالات بچه هایم امیدوارم بتوانم آنها را بسوی حقیقت رهنمون کنم و مهارتها و توانایی هایی را که لازم دارند به آنها بدهم. این د رمقایسه با وادار کردن آنها به حفظ کردن آیه های و سوره هایی که یک مرد از نظر روحی بیمار و دیوانه در 1400 سال قبل نوشته است بسیار انسانی و مفید است. برای من موفقیت آرزو کنید. خیلی لازم دارم.



خدایان ۸

رابرت گرین اینگرسول -

۱۸۷۱

ترجمه: اعظم کم گویان

داشته باشیم. بگذارید کلیسا یا یکی یونا نفرستید و برای صرف غذا با از مقدسین با نبوغش، معجزه ای آقای ازکیل نفرستید. فرستادن ما به بیافریند، آنوقت ما به خدا ایمان شکار روباه با سامسون هیچ فایده آنها اصرار می کنند که انسان، خواهیم آورد. به ما می گویند ای ندارد. ما هیچ علاقه ای به حداقل یک موجود ویژه است که در طبیعت را نیروی مافوقی می سخنان بلیغ و فصیح خر بالام که به نقطه ای از مغزش، یک نقطه الهی چرخاند. بگذار این نیروی مافوق او الهاماتی شده بود، نداریم. مطلقا موجود است، بخشی از اولین و حتی برای یکبار هم که شده طبیعت بی فایده است که به ما ماهی هایی بزرگترین علت. آنها می گویند ماده را کنترل کند، آنوقت ما به حقانیت را نشان بدهید که پول در دهانشان نمی تواند فکر و ایده را بوجود کلیسا و خدا اذعان خواهیم کرد.

ما حرفهای زیادی را شنیده ایم. ما به سخنان پوچ و بی ایده د گنج کننده شما گوش دادیم. ما انجیل شما را که بهترین اثر فکریتان است را مطالعه کرده ایم. ما نماز و دعاها را شما را شنیدیم و به آمین و یا رب العالمین های شما گوش کردیم. همه اینها رویهمرفته از هیچ هم کمترند. ما فاکت می خواهیم. ما در کلیسای شما را می کویم و فقط یک فاکت را استدعا می کنیم. ما ارادت مند و چاکر شما می شویم و در احترام به شما کلاهمان را بر می داریم اگر شما بتوانید همان یک فاکت را به ما ارائه کنید. واقعیت این است که ما همه چیز را در مورد حرفهای هپروتی و پوچ و معجزه های شما می دانیم. ما حقیقت را می خواهیم. ما فقط یک فاکت می خواهیم. یک فاکت را به ما صدقه بدهید. معجزه های شما باستانی و عتیقه شده اند. شهود شما تقریبا دو هزار سال است که مرده اند. اعتبار آنها برای حقیقت و حقیقت جویی در محلی که اقامت داشتند برای ما کاملا ناشناس است. به ما یک معجزه عرضه کنید و آن را با شهودی که همچنان و هنوز در این دنیا زندگی می کنند، ثابت کرده و وجود آنها را برای شنیدن مادیت ببخشید. ما را برای شنیدن شیپورهای بادی به جریکو نفرستید، آنها، پدیده هوش و هوشمندی است که ما را برای عبور از دیا با کاپیتان و آنان معصومانه می گویند که

پایه گذار یک دین باید بتواند آب را به شراب تبدیل کند، با اوراد و الفاظ، نابینا را بینا و معلول را سالم کند و با یک تماس مختصر جسمی، مرگ را به زندگی تبدیل سازد. چنین کسی برای نگهداشتن پیروان بربرش لازم بود نشان دهد که از طبیعت برتر است. در دوران جاهلیت، انجام این کار آسان بود. زودبازی و ساده انگاری مردم وحشی و تمدن نیافته بی حد و حصر بود. برای آنها چیز خارق العاده و عجیب، زیبا به نظر می آمد؛ هر چیز اسرار آمیزی والا و متعالی بود. هر مذهبی از اساس یک معجزه است؛ زیر پا گذاشتن طبیعت است و در نتیجه دروغین است.

هیچکس در کل تاریخ جهان، تلاش نکرده حقیقتی را با یک معجزه اثبات کند. قدرت حقیقت، قدرت معجزه را پشت سر می گذارد. هیچ معجزه ای هرگز در جهان اتفاق نیفتاده و هیچ انسان عاقلی هرگز فکر نکرده که معجزه می کند و تازمانی که معجزه ای بوقوع نپیوندد، هیچ مدرکی دال بر وجود نیرویی مافوق و مستقل از طبیعت وجود ندارد. کلیسا می خواهد ما به خدا ایمان

طبیعت مجموعه یک سری از علل موثر است. طبیعت خلق نمی کند بلکه تغییر می دهد. هیچ آغازی نبوده و پایانی هم نخواهد بود. بهترین اذهان و افکار حتی در دنیای دینی اذعان می کنند که هیچ مدرکی در طبیعت مادی مبنی بر وجود آنچه که آنها خدا می نامند، وجود ندارد. تنها دلیل و مدرک شیپورهای بادی به جریکو نفرستید، آنها، پدیده هوش و هوشمندی است که ما را برای عبور از دیا با کاپیتان و آنان معصومانه می گویند که

جامعه در برابر تمامی سرکوب ها کند دین قبلی خود را یعنی دین مسلمانان گرفته شده است و خیلی و فشارها، احضارها و زندانها اسلام که من هم کاملا با ایشان موافق هستم چرا که تمام دشواریها من امیدوارم تمامی کسانی که مانند Hisi Ali از عقاید خود چنین جنش دانشجویی ایران سالهاست آباد، آزاد و توسعه یافته زندگی وجود داشت از اسلام و محمد بود و الان که هیچکدام را قبول ندارم ازادانه اسلام را انتقاد کنند.

وجود تمامی زجرها و رنج ها به (Hirsi Ali) در کتاب خود باری از دوشم برداشته شده است. دوش کشیده. متحجران از رویرو درباره زن و اسلام که در بیرون بدنال تظاهرات در دانمارک سلی زدند و اصلاح طلبکاران از از دنیای اسلام زن می تواند دنیایی میبینیم که هنوز هم ازادی قلم و پشت خنجر؛ ولی وجدان بیدار بهتر داشته باشد و او سخت رد می بیان در خیلی از کشورها توسط

زنده باد ازادی و برابری مرگ بر جمهوری اسلامی